

احوال شخصیه

(۴)

در مسئله قبلی که در قسمت سوم آن اتفاق کلیه مذاهب اسلامی در لزوم رعایت احتیاط و مراعا و اختلاف آنها در کیفیت آن با ذکر موارد اختلاف بیان گردید نتیجهً باتوجه باینکه در ازمنه مختلفه دیده شده که تعداد یک حمل از یک نفر تا هفت نفر (۷ قلوئی) از مذکر و یامؤنث و یا مذکر و مؤنث بالغ شده معلوم گردید که قسمت اخیر ماده ۸۷۸ قانون مدنی که توقیف حصه دو پسر از همان طبقه را لازم دانسته موارد دیگر را که بشرح مرقوم در یک حمل دیده شده و در هر زمان طبعاً هم ممکن الوقوع است شامل نخواهد بود و بلکه منحصرأ شامل موردی است که حمل فقط دو پسر باشد در صورتیکه توقیف سهم دو دختر بعمل $\frac{۲}{۳}$ که بزرگترین فرض مقرر در قرآن کریم است شامل کلیه مسائل متصوره خواهد بود ولو حمل ۷ قلوئی هم باشد رأی بعضی از علماء مذاهب اربعه سنی هم که غیر جمهور میباشند و مفتی به نمیشد در قسمتی از مسئله مذکوره یعنی در موردیکه وارث غیر از حمل ذوی الفروض نباشند دچار اشتباه شده و در مورد مذکور توقیف سهم چهار پسر و تقسیم بقیه ترکه را بین وارث غیر ذوی الفروض موجود لازم دانسته اند چون آنان هم برای یک حمل بیش از چهار پسر تصور نکرده اند.

ضمناً مسئله زیر که بهائیه مسئله قبلی از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام استفتاء شده و باتوجه به جواب و فتوی آنحضرت که حاکی از آنست که از هر حیث و هرجهت حضرت امیر مشمول حدیث نبوی صل الله علیه وآله که فرموده (انما ینة العلم و علی بابها) بوده به سناسبت موضوع بیان میشود.

مسئله مورد استفتاء هفده شتر متساوی القیمه ارتاً به سه نفر به نسبت $\frac{۱}{۳}$ و $\frac{۱}{۳}$ و $\frac{۱}{۳}$ رسیده بود و میخواستند طوری تقسیم شود که بهریک تعدادی از ۱۷ شتر به نسبت سهام مزبوره برسد بدون اینکه کسر و نقصانی در آنها حاصل شود و چون عاجز از عملی شدن آن بودند از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام استفتاء نمودند حضرت فوری دستور فرمودند که یک شتر از مال حضرت بآنها اضافه شود که شترها ۱۸ سپس از آن به کسی که سهمش $\frac{۱}{۳}$ بود ۹ شتر از ۱۷ شتر که نصف ۱۸ شتر بود و به کسی که سهمش $\frac{۱}{۳}$ بود ۶ شتر از ۱۷ شتر که ثلث ۱۸ بود، به کسی که سهمش $\frac{۱}{۳}$ از ۱۷ شتر بود دو شتر که تسع ۱۸ شتر بود دادند و چون حاصل جمع شترهاییکه بشرح مرقوم به صاحبان سهام مزبور دادند بالغ بر ۱۷ شتر گردید حضرت هم شتر خودشان که برای تکمیل مخارج کسور مرقومه اضافه کرده بودند تصاحب فرمودند و قضیه حل گردید و علاوه از آنکه مطابق سهم هر یک مطابق

آنچه ذی‌سهم بودند داده شد مسئول و مقصود آنها نیز عملی گردید در صورتیکه اگر می‌خواستند از طریق مقرر تقسیم شود البته سهم هر یک با محاسبه و تقویم و فروش و رد و بدل داده میشد ولی بکیفیت مزبوره که مسئول آنها عملی شود محال بنظر می‌آمد.

۵ - شك و تردید در مورد زن یا مرد بودن وارثی که ذکوره و انوثة او در مقدار حصه اش تأثیر داشته باشد باید تا روشن شدن این موضوع توریث ترکه بین وراث توقیف شود باین معنی از وراث متوفی یک یا چند نفر صغیر که خنثی شکل (یعنی تشخیص علائم ذکوره و انوثة آنها مشکل باشد) وجود داشته در این صورت باید ترکه توقیف شود تا زمانی که علائم مذکوره با بلوغ شرعی (آنطوریکه در کتب فقهی مقرر است) و یا بوسیله عمل جراحی روشن شود و سپس عمل توریث انجام گردد و بدیهی است این موضوع جز در موارد اولاد و برادر ابونی و ابی و عمو و اولاد آنها قابل فرض و تصور نیست چه آنکه تصور کردن خنثی بودن والدین عقلا و شرعاً غلط و ممنوع و خنثی بودن اولاد الام شرعاً در تمام مذاهب اسلامی اعم از شیعی و سنی در مقام توریث بی تأثیر است و این کیفیت در مورد خنثی که بیان شد مطابق مذاهب اربعه سنی است ولی در مذهب جعفری بطوری است که در ماده ۹۳۹ قانون مدنی باین عبارت (ماده ۹۳۹ در تمام موارد مذکوره در این بحث و دو بحث قبل اگر وارث خنثی بود و از جمله وارثی باشد که از ذکور آنها دو برابر اناث می‌برند سهم الارث او بطریق ذیل معین میشود ، اگر علائم رجلیت غالب باشد سهم الارث یک پسر از طبقه خود اگر علائم انائیت غلبه داشته باشد سهم الارث یک دختر از طبقه خود را می‌برد و اگر هیچیک از علائم غالب نباشد نصف مجموع سهم الارث یک پسر و یک دختر از طبقه خود را خواهد برد) در کتب فقهی نهایی و ایجاز و مبسوط و مختصر النافع و سایر کتب فقهی جعفری مفاد ماده مزبوره بیان شده است.

مسائل دیگری در حجب متصور است که بعضی از آنها متفق علیه و برخی دیگر مختلف فیه بین مذاهب شیعه و سنی است که ذیلاً بیان میشود.

همانطوریکه در باب موانع ارث بیان شد ممکن است در توریث مواردی پیش آید که وارث بالکل و یا از مقداری از سهم الارثش محروم گردد در صورت اول با اصطلاح فقهی حجب حرمانی و در صورت دوم آنرا حجب نقصانی گویند و برای هر یک از آنها مصادیقی متصور است.

۱ - حجب حرمانی بوسیله یک نفر یعنی شخصی که از حیث قرابت نسبی نزدیکتر بمیت است حاجب شخصی و یا اشخاص دورتر بمیت گردد مثل اینکه متوفی دارای یک پسر و یک و یا چند پسرزاده باشد که در این صورت پسر به تنهایی حاجب پسرزاده و یا پسرزاده‌ها است.

۲ - حجب نقصانی بوسیله بیش از یک نفر مثل اینکه از متوفای شوهر و مادر برادر مادری و یک عمویاتی باشند و چون در این مسئله سهم مادر $\frac{1}{4}$ و سهم برادر مادری $\frac{1}{4}$ و سهم شوهر $\frac{1}{4}$ است با توجه به نسبت بین صاحبان سهام مزبور که مخرج مشترك آنها شش میباشد نصف آن سهم شوهر و ثلث آن سهم مادر و سدس آن سهم برادر مادری بوده جمعاً حاجب عمو می‌باشند.

در دو مسئله فوق و همچنین در عدم حجب هیچیک از پدر و مادر و اولاد و زوجین مطلقاً اختلافی بین مذاهب اسلامی وجود ندارد همانطوریکه حکم مسئله اخیر در ماده ۸۹۱ قانون مدنی بکیفیت مزبوره است و تمام مسائل متصوره حجب نقصانی هم مورد اتفاق فریقین (شیعه و سنی) میباشد جز در سهم الارث زوجه باین معنی در مذهب جعفری بنا بقول اظهر فرض زوجه در نبودن اولاد برای شوهرش ربع و یا بودن اولاد برای شوهرش ثمن اموال منقول و بهمان میزان از اعیانی غیر منقول میباشد که این معنی در مواد ۹۴۶ الی ۹۴۸ قانون مدنی ایران که از اقوال اصح فقه جعفری مستخذاست و بشرح زیر نقل میشود تصریح گردیده.

ماده ۹۴۶ - زوج از تمام اموال زوجه ارث میبرد لکن زوجه در اموال ذیل:

۱ - از اموال منقول از هر قبیل

۲ - از ابنیه و اشجار

ماده ۹۴۷ - زوجه از قیمت ابنیه و اشجار ارث میبرد و نه از عین آنها و طریقه تقویم آنست که ابنیه و اشجار با فرض استحقاق بقاء در زمین بدون اجرت تقویم میگردد.

ماده ۹۴۸ - هرگاه در مورد ماده قبل و رثه از اداء قیمت ابنیه و اشجار امتناع کند زن میتواند حق خود را از عین آنها استیفا نماید.

و در کتب فقهی جعفری از جمله کتاب مختصر النافع باین عبارت (ویرث الزوج من جمیع ما ترکة المریة و کذا المریة عدا العقار و ترث من قیمة الالات و الابنیه و علم الهدی یمنهرها العین دون قیمة) و در کتاب شرایع الاسلام باین عبارت (اذا کان للزوجة من المیت ولد و رثت من جمیع ما ترک و لو لم یکن ولد لم ترث من الارض شیئاً و اعطیت حصتها من قیمة الالات و الابنیه حصتها من قیمة و القول الاول اظهر) اقوال مختلفی تصریح شده در صورتیکه در مواد ۹۰۰ و ۹۰۱ و ۹۱۳ و ۹۲۷ و ۹۳۸ قانون مدنی بشرح زیر.

ماده ۹۰۰ - فرض دو وارث ربع ترکه است.

۱ - شوهر در صورت فوت زن با داشتن اولاد

۲ - زوجه یا زوجه ها در صورت فوت شوهر بدون اولاد

ماده ۹۰۱ - ثمن فریضه زوجه یا زوجه ها است در صورت فوت شوهر با داشتن اولاد

ماده ۹۱۳ - در تمام صور مذکوره در این مبحث هر یک از زوجین که زنده باشد

فرض خود را میبرد و این فرض عبارت است از نصف ترکه برای زوج و ربع آن برای زوجه

در صورتیکه میت اولاد یا اولاد اولاد نداشته باشد و از ربع ترکه برای زوج و ثمن آن برای

زوجه در صورتیکه میت اولاد یا اولاد اولاد داشته باشد و مابقی ترکه برطبق مقررات مواد

قبل مابین سایر وراثت تقسیم میشود.

ماده ۹۲۷ - در تمام مواد مذکوره در این مبحث هر یک از زوجین که باشد فرض

خود را از اصل ترکه میبرد این فرض عبارت از نصف اصل ترکه برای زوج و ربع آن برای

زوجه.

ماده ۹۳۸ - در تمام موارد مزبوره در این مبحث هر یک از زوجین که باشد فرض

خود را اصل ترکه میبرد و این فرض عبارت است از نصف اصل ترکه برای زوج و ربع آن برای زوجه (عبارات و مفاد دو ماده اخیر مرقوم بی تفاوت میباشند) و در مذاهب اربعه سنی بین زن و شوهر از حیث اموال منقوله و غیر منقوله و از جهت عرصه و اعیانی فرقی قایل نشده اند یعنی همانطوریکه متفق علیه شیعه و سنی در سهم شوهر اعم از نصف و ربع مطلق و بدون استثناء میباشد حکم مندرج در مواد ۹۰۰ و ۹۰۱ و ۹۱۳ و ۹۲۷ و ۹۳۸ فوق و در مذاهب اربعه سنی در سهم الارث زوجه هم اعم از ربع و ثمن مطلق از کلیه ماترک است اعم از منقول و غیر منقول چون آیه ۱۲ سوره مبارکه نساء از قرآن مجید که میفرماید (ولکم نصف ما ترک ازواجکم ان لم یکن لهن ولد فان کان لهن ولد فلکم الربع ما ترکن) در مورد سهم الارث شوهر و در قسمت دیگر همان آیه که میفرمایند (ولهن الربع مما ترکته ان لهن یکن لکم ولد فان کان لکم ولد فلهن الثمن مما ترکتم من بعد وصیة توصون بها اودین) در مورد سهم الارث زوجه مطلق و بدون تفاوت و بدون استثناء میباشد و مسلم است که قایل شدن به فرق بین زن و شوهر در این مورد برخلاف نص صریح آیه مرقومه است پس حکم سهم الارث زن (زوجه) در مواد مذکوره (بعکس در مواد ۹۴۶ الی ۹۴۸ مرقومه) در مذاهب اربعه سنی با آیه فوق الذکر از هر حیث منطبق است و معلوم نیست با اطلاق و صراحت آیه مرقومه مستند قائلین به فوق مزبور در مواد مذکوره و در قول اظهر مذهب جعفری چیست و با اینکه با مراجعه به برخی از کتب فقهی جعفری مستندی دیده نشده که قانع کننده باشد و در عین حال باید اذعان نمود باینکه عدم اطلاع اینجانب از آن دلیل عدم وجود آن نمیباشد ولو معتقد باشم باینکه فرضاً حدیثی هم از حضرت رسول اکرم علیه الصلوة والسلام برخلاف نص صریح مزبور نقل شود (یعنی مفاداً ماهیت آیه قرآنی را تغییر دهد و بعبارة اخری آنرا کم و زیاد نماید و یا مثل موضوع ما نحن فیه که فرض و سهم مقرر زوجه را در قرآن که ربع و ثمن مطلق است تقلیل دهد) مستنداً باصول و حدیث صحیح آنحضرت که مفاداً فرموده (هر حدیثی که بمن نسبت داده شود و مفاد آن مخالف مفاد قرآن باشد آنرا قبول نکنید و رد کنید) نتوانم صحت انتساب آنرا قبول نمایم باید قائل شد باینکه حتماً مجتهدین و قائلین به قول اظهر مزبوره که مواد ۹۴۶ الی ۹۴۸ مذکوره متخذ از آن است مستندی که معتقد به قبول آن بوده اند و بر قول غیر اظهر مذهب جعفری که لابد مواد ۹۰۰ و ۹۰۱ و ۹۱۳ و ۹۲۷ و ۹۳۸ مزبوره متخذ از آن است و با آیه قرآن وفق میدهد ترجیحش داده اند وجود داشته است.